

« عفو ملوکانه »

در تیرماه سال جاری ماده واحده‌ای بتصویب مجلسین ایران رسید که در مرداد ماه در روزنامه رسمی کشور چاپ شده و بمرجله اجرا گذاشته میشود. متن ماده واحده چنین است:

« دولت مجاز است بمناسبت روز فرخنده تاجگذاری شاهنشاه آریامهر استدعای صدور فرمان ملوکانه دائر به عفو آزادی عده‌ای از زندانیان را که مستحق ارفاق بدانند بدون رعایت قسمت اخیر ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی بنماید استفاده از این قانون تا دهم آبانماه ۱۳۴۶ خواهد بود. »

چنانچه از متن ماده واحده استنباط میشود این قانون استثنائی است که بمناسبت سرور و شادی قاطبه ملت ایران در جشن فرخنده تاجگذاری در باره عده‌ای از زندانیان اجرا میشود و محدود به زمان معینی است که فقط تا دهم آبانماه قدرت اجرایی دارد و بر ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی وارد است بنابراین قید و حصری در عفو زندانی از حیث درجه و میزان در بین نیست.

حال که قوه مقننه چنین اجازه و رخصت قانونی داد دولت میتواند حداکثر استفاده را با رعایت جوانب کار بنماید تا بسیاری از زندانیان که بعلت لغزشی که معلول جهل و نادانی آنان بوده و گرفتار زندان شده‌اند رهائی یافته و باشکر گذاری به پیشگاه

شاهنشاه عدالت گستر قبول بدهند که دیگر مرتکب جرمی نشده و راه زندان را از نو نگیرند.

در نظر داشته باشیم که قانون تعمیم تعلیق مجازات محکومین در ماه گذشته تصویب شد و کلیه زندانیانی که فعلاً دوران حبس را می گذرانند از قانون اخیر تعلیق مجازات استفاده نکرده و قانون قابل خریداری بودن زندانهم بتصویب نرسیده است.

تمام این اوضاع و احوال ایجاب مینماید که دولت باسعه صدور گشاده دستی اقدام به تقاضای صدور فرمان ملوکانه دائر به عفو زندانیان بنماید و بیم آن نداشته باشد که چنانچه زندانها خالی شوند بدکاران به جان جامعه خواهند افتاد و اختلال کلی در نظم عمومی پدید خواهد آمد.

اینطور نیست - به بینیم این زندانیان که استحقاق دارند مورد عفو قرار گیرند چه اشخاصی هستند .

قسمت اعظم زندانیان فعلی را قانون سخت و ناپخته مواد مخدره تشکیل میدهد با تائید اینکه قانون منع کشت خشخاش و برچیده شدن بساط ننگین و افوروشیره یکی از اقدامات درخشان و بسیار مفید چند سال اخیر است که مربوط به سلامتی افراد و حیثیت و شئون کشور است - مجازات تعیین شده درباره قاچاقچیان و حاملین و دارندگان مواد افیونی نه جامع است نه مانع چه با وجود تجربه چند ساله و شدت قانون هر روز در جرائد به کشف بانددید قاچاقچیان بر میخوریم که فقط بر تعداد زندانیان افزوده میشود و آن اثر ارعابی یا اصلاحی که باید مجازات داشته باشد نخواهد داشت چه گرفتاران زندان مواد مخدره اغلب اشخاص دست دوم اند بدین معنی که باند های قوی برای ورود یا تهیه مواد مخدره تشکیل میشود بعداً این مواد بدست بینوا هائی که دنبال تحصیل معاش اند سپرده میشود که آنرا تبدیل به پول نمایند - بنا بر این اگر هیچگونه ارفاقی انصافاً

و وجداناً نباید نسبت به واردکنندگان و سازندگان مواد مخدر (مخصوصاً هروئین و مشتقات آن) نمود - این دست دومی‌ها که با اصطلاح چرخ پنجم این عمل جنایت آمیزاند می‌توانند برای یکبار مورد عفو کامل قرار گیرند و تعهد بسپارند که دیگر دنبال این عمل شیطانی نروند پس در مواد مخدره بنظر نگارنده آنهایی که دستکاه سازنده هروئین و سایر مواد مخدره را دارند و با جان ملت ایران بازی می‌کنند یا مبادرت ب ورود مواد شیطانی مینمایند باید از بین جامعه طرد شده و در گوشه زندان بمانند و سایر عمال - جرائم مواد مخدره می‌توانند استثنائاً به مناسبت این جشن بزرگ از عفو قانونی استفاده نمایند بدون آنکه توجهی بمیزان حبس یا جریمه آنان بشود .

قسمت دیگر زندانیان آنهایی هستند که با ساختن مواد تقلبی غذایی با سلامتی جامعه سروکار دارند این افراد هم نمیتوانند آزاد شده و با عمل پلید جنایت آمیز صغیر و کبیر را بخطر بیندازند و آنچه سخت گیری نسبت به سازندگان مواد غذایی تقلبی بشود برای حفظ جان مردم و امنیت عمومی لازم است . اما افراد دیگری هستند که با اتهام قتل غیر عمد - یا ضرب و جرح منجر به قتل یا قتل که معلول عدم آزادی اراده و تحریک و مستی و غیره در زندان بسر میبرند این قبیل افراد چنانچه سابقه تکرار جرم (و مخصوصاً عین همان جرمی که مرتکب شده‌اند) نداشته باشند قابل ارفاق اند چه امروزه در حقوق جزا ثابت شده که جانی بالفطره و جانی بالذات وجود ندارد بلکه عدم اعتدال اعصاب موجب ارتکاب جرمی میشود قانون تعلیق مجازات راهی به دادرسی جزائی میدهد که با برخورد باین اشخاص چنانچه سابقه زندانی نداشته باشد و مدعی خصوصی گذشت کرده باشد بزندان نرود ولی ما که از چنین قانونی استفاده نکردیم بجا است که از این جشن بزرگ این استفاده معنوی را کرده و این قبیل زندانیان را نیز در عداد بخشودگان بگذاریم .

آنچه مورد توجه کمیسیون محترم اجرای قانون عفو بمناسبت جشن فرخنده تاجگذاری قرار خواهد گرفت روحیه مجرم و علل ارتکاب جرم است نه برجسبی که قانون جزا به جرم معینی میدهد.

ممکن است اثرات اجتماعی روحیه يك دروغگو یا مقتری بدرجات نکوهیده تر و مضر تر از يك قاتل باشد کسی که مقداری گرد سفید (اعم از اینکه هروئین باشد یا نباشد) تهیه کرده و داخل منزل یا اتومبیل فرد بیگناهی میکند تا آنکه او را از هستی ساقط کرده و به پرتگاه نابودی بفرستد چنین کسی بدرجات مجرم تر از حامل و دارنده واقعی هروئین است چه اولی برای کینه توزی شخصی و خودخواهی فرد و خانواده ای را از بین می برد و چه بسا دومی برای ادامه حیوة و زندگی و فرزندش مبادرت به ارتکاب عمل منتهی نموده است. کسی که بعات عدم مساعدت محیط تعلیم و تربیت و عدم سرپرستی دقیق در دوران جوانی گرفتار مرض سرقت و دزدی شده و با وجود آنکه چندین سابقه مؤثر جزائی دارد بدرجات خطر او کمتر از آن کسی است که پروانه رانندگی تقلبی یا دیپلم های باسمه ای تهیه کرده و بفروش میرساند اگر پرسید چه فرق است بین دزدی و کلاهبرداری خواهی گفت کلاهبردار دزد زرنگی است و خطر او از خطر سارق بیشتر است.

این روحیه ایست که از تنظیم صورت مستفیدان از عفو و بخشودگی باید مورد توجه قرار گیرد نه کمیت جرائم مرتکبه .

با استفاده از قانون عفو بمناسبت جشن فرخنده تاجگذاری امیدوارم عطف توجه مخصوصی به زندان و زندانیان و اصلاح مقررات قانون آئین نامه زندان بشود تا یکی دیگر از مشکلات اجتماعی ما بهمت والای خیرخواهان جامعه ایرانی رفع گردد.